

دموکراسی مخملی!!!

نویسنده: محمدرضا جلالی

مردم و قانون کشور در تقابل با این خط ادامه پیدا می‌کند. در این مقطع زمانی کشور به لبه پرتگاه جنگ داخلی و دوقطبی کشانده می‌شود. در دهم محرم الحرام آشوب گران با هتک حرمت مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و تهمتک شعائر حسینی از خط قرمزی بزرگ عبور می‌کنند. نهم دی ملت حسینی به میدان می‌آید تا پس از هشت ماه یک‌بار برای همیشه فتنه را درهم بکوبد. راز خروش مردم و مانایی انقلاب اسلامی این‌گونه توصیف می‌شود: "راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمان‌هاست؛ اتکای به خداست. لذا شما می‌بینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد، بدون فراخوان حرکت می‌کنند می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد..... مردم وقتی احساس می‌کنند

دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکتِ ایمانی است، این حرکتِ قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدائی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دل‌ها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدائی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود،

خداى متعال این جور دفاع می‌کند. لذا می‌فرماید: «انّ الله يدافع عن الذين امنوا». این را دشمنان نظام اسلامی نمی‌فهمند تا امروز هم نفهمیدند."

رهبری معظم درباره انقلاب اسلامی اعتقاد دارند که برخاسته از یک حقیقت مبتنی بر سنت الهی است و تا زمانی که مردم به آن اعتقاد و علاقه دارند و با بصیرت، زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی به موقع اقدام می‌کنند، اتحاد همه قدرت‌های عالم توانایی درهم شکستن ایشان را ندارد.

از مجاری قانونی پیگیری کنند. واقعاً مسئله چیست؟! رهبر معظم انقلاب اسلامی این‌گونه تحلیل می‌کنند: "این کسانی که شما بهشان می‌گویید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن این‌ها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نایبستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگری بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آن‌ها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود.

دشمن کار خود را برای برچیدن نظام اسلامی پیش می‌برد ولی چرایی عدم مرزبندی با دشمن و بازگشت از بیراهه توسط سران فتنه با وجود حمایت‌های علنی اسرائیل،



کتاب بزرگ فتنه گران در سال ۸۸ این بود که اگر خوشبینانه نگاه کنیم و بگوئیم اینجا يك شبهه‌ای، خدشه‌ای در ذهنشان بود

آمریکا، منافقین و سلطنت‌طلبان از اغتشاشگران و فتنه گران در کلام ایشان نیز جالب است: "وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا می‌شوند که برای جاه‌طلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به‌صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند، حاضر می‌شوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری می‌کنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سرشوق می‌آیند و از آن‌ها حمایت می‌کنند." هجمه قانون‌شکنان و مقاومت و پاسداری رهبری از آراء

انتخابات خردادماه ۸۸ گرچه در ظاهر خود تنها یک انتخابات ریاست جمهوری بود که همچون گذشته در موعد خود برگزار شد، اما در باطن یک تفاوت چشم‌گیر با اسلاف خود داشت. یک انتخابات چهل‌میلیونی با مشارکت عمومی ۸۵ درصدی از سلايق و افکار مختلف سیاسی. اکنون ملت ایران پس از ۳۱ سال نه‌تنها نسبت به انقلاب و نظام خود روی‌گردان نشده بلکه در بستر انقلاب اسلامی و در کالبد انتخابات، یک فراندوم چهل‌میلیونی مبنی بر مقبولیت نظام را به نمایش گذاشت. مطلبی که رهبر معظم انقلاب اسلامی از آن بدین گونه یاد می‌کنند: "چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند."

از طرف دیگر گویی دشمنان خارجی خواب‌های آشفته‌ای را برای ایران دیده‌اند. خواب‌هایی از جنس کودتا و به سبک انقلاب رنگی. ماه‌ها قبل از موعد انتخابات ریاست جمهوری رسانه‌های معاند سعی داشته‌اند تا در یک

پروپاگانداى رسانه‌ای تمام‌عیار، کلیدواژه تقلب در انتخابات را در اذهان عمومی جا بیندازند. اکنون در داخل، پیش از اعلام رسمی نتایج انتخابات، موسوی در مقابل دوربین‌ها خود را برنده قطعی انتخابات معرفی می‌کند. سرعت تحولات در داخل ایران بالاست. با آشکار شدن نتایج، پیروزی احمدی‌نژاد رسماً اعلام می‌شود. در پی آن گروه‌ها و جناح‌های سیاسی موسوم به اصلاح‌طلب،

سیل برچسب تقلب در انتخابات و مطالبه ابطال آن را روانه حاکمیت می‌کنند. درخواست ارائه دلیل و مدرک مبنی بر ادعای تقلب گسترده برای پیگیری قانونی تخلف، در ابتدا چیزی جز پاسخ‌های سطحی و متوهمانه و در ادامه جز اغتشاش، آشوب و خون‌ریزی منتج به یک فضای غبارآلود، موسوم به فتنه ندارد. گو افرادی مشخص و معلوم‌الحال که بعدها در ادبیات سیاسی ایران به نام سران فتنه و برخی نیز به نام حامیان فتنه شناخته شدند نمی‌خواهند مطالبات خود را با آرامش و متانت درخور یک سیاستمدار کهنه‌کار، برای تأمین منافع ملی

#دو-دقیقه

نویسنده: میلاد رایانی

ساعت ۱:۱۹ دقیقه است. خودرو تازه از فرودگاه خارج شده و دست انگشتی سردار کتاب مناجات را در بر گرفته سری رو به پایین دارد نمی دانم چرا ولی حس می کنم ذکر لاحول ولا قوه الا بالله می خواند. ساعت ۱:۱۹ دقیقه است. ابو مهدی از خلال قاب مستطیلی عینکش به اطراف نگاه می کند بغدادی که روزی سلفی های سعودی اسرائیلی به گنبد و مناره هایش به چشم دارالخلافه می نگریستند در آرامش شبانه ای به سر می برد ابو مهدی ثانیه ای چند تصویر تمام همزمان شهیدش از جلوی چشمانش عبور می کند ابو مهدی دعای مادران شهدا را پشت سرش حس می کند ساعت ۱:۱۹ دقیقه است. قمارباز آمریکایی که در مرکز فرماندهی عملیات به سر می برد دستان لرزان ناشی از میگساری اش به هم مشت شده اتاق ایزوله است و سکون هوا در آن احساس می شود یک فرمان هم می تواند او را از شکست در انتخابات برهاند و هم کل منطقه را به آتش بکشد تاجر آمریکایی انتخاب خود را می کند و فرمان می دهد ساعت ۱:۲۱ دقیقه است سردارمان به تمثیل سردار شهیدش گشته دست انگشتی و کتاب دعای سردار باقی مانده سردارمان رفته و رفتنش به مانند رفتن مالک بار دیگر کمر علی را خم کرده ساعت ۱:۲۱ دقیقه است. عراق فرزند عزیز خود را از دست داده ابو مهدی چشم بر هم نهاده و اجازه می دهد خاک عراق او را در آغوش بکشد ساعت ۱:۲۱ دقیقه است پیرمرد آمریکایی هنوز می لرزد و به بردن قمار انتخابات فکر می کند ساعت ۱:۲۱ دقیقه است. ایران بار دیگر عزادار شده و دماوندی که بغض فروخته ی خود را قورت می دهد به خیال پیرمرد دیگر



بوی دود و خون تنها ردی است که از سلیمانی مانده چند گروه تکه پاره ی مسلح هم تنها میراث ابو مهدی پیرمرد آمریکایی تنها بازنده این دو دقیقه بود ضعف چشمانش هم نتوانست خروش ملت را پنهان کند دستان لرزانش مجبور بود در یک سال گذشته بارها و بارها بر سر قمارهایی دیگر تعیین مسیر کند و سرداری که این روزها به آشفته حالی دنیای ما می نگرد و ابو مهدی که مام وطنش را در چنگال دژخیمان می بیند خدانگهدار حاج قاسم آسوده باش ابو مهدی که فرزندان ایران و عراق رؤیای پیرمرد بازنده را وارونه تعبیر کردند.

انتقام سخت، انتقام عزیز

نویسنده: هادی حامدفر

کلمه «انتقام» چهار بار در قرآن کریم آمده است. جالب اینکه در هر چهار بار به عنوان یکی از صفات الهی و در همراهی با صفت «عزیز» خداوند متعال آمده است (والله عزیز ذو انتقام، آل عمران-۴، مائده-۹۵؛ إن الله عزیز ذو انتقام، ابراهیم-۴۷؛ ألیس الله بعزیز ذی انتقام، زمر-۳۷). شاید بتوان معنای این همراهی را این طور دانست که انتقام خداوند از شیاطین و کفار و مشرکین تجلی بخش عزت ذات لایزال اوست. با این دیدگاه، فرمان انتقام سخت از آمران و عاملان شهادت حاج قاسم سلیمانی به چه معناست؟ کدامین انتقام است که به معنای واقعی کلمه تجلی بخش عزت خداوند و اسلام و مسلمین و ذلت کفار و مشرکین است؟

مناسب است در این مجال آنچه از این انتقام محقق شده و آنچه رهبری معظم انقلاب به عنوان افق انتقام ترسیم فرموده اند مرور و با این عیار ارزیابی شود.

۱- بمباران بزرگترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه (عین الاسد): پیش از این واقعه نسل اخیر به یاد ندارد یک نظام سیاسی توانسته باشد آشکارا یکی از پایگاه‌های نظامی ایالات متحده را در هم بکوبد و آن را علنا اعلام کند و پوچ بودن ادعاهای آمریکا مبنی بر تلافی به شکل بمباران ۵۲ نقطه ایران را آشکار ساخته و به سخره بگیرد. این واقعه تا حدی مهم بود که شایسته عنوان «یوم الله» از سوی رهبرانقلاب شناخته شد.

۲- تشییع با شکوه پیکر مطهر حاج قاسم سلیمانی: باز هم می‌توان گفت نسل اخیر به چشم ندیده بود که پیکریک شخصیت سیاسی، معنوی، اجتماعی یا ... با این عظمت و شکوه و جوشش بی‌سابقه احساسات انسان‌ها و خروش ده‌ها میلیونی ملت‌های ایران و عراق، تشییع و بدرقه شده باشد. تنها تشییعی که از حیث عظمت قابل قیاس است تشییع امام راحل است. دشمنان گمان می‌کردند علاقه به اسلام و انقلاب در نسل جدید کمرنگ شده، اما عظمت این تشییع همچون یک سیلی هشیار کننده به گوش آنان نواخته شد تا طنین سنگین آن، توهم را از سر دشمنان بزداید تا گمان بد به ملت انقلاب نکند.

۳- مصوبه مجلس عراق مبنی بر اخراج آمریکا: چیزی از شهادت سردار و هم‌زمان ایشان نگذشته بود که مجلس عراق با تصویب قانونی، حکم به اخراج نیروهای آمریکایی از خاک عراق کرد. این یک افتضاح بی‌سابقه سیاسی بود برای کشوری که میلیارد‌ها دلار در منطقه خرج کرده اما دستاورد او حکم اخراج به علت اقدام خودسرانه و تروریستی در خاک یک کشور دیگر شده است.

تا به اینجا به آنچه از انتقام سخت تحقق یافته اشاره کردیم. بی‌تردید می‌توان گفت به برکت خون شهدا، همه این موارد نشانگر ذلت و تحقیر دشمنان و عزت و عظمت اسلام و مسلمین بوده است؛ اما آیا

همین مقدار از انتقام کافی است؟ البته که خیر، چرا که هنوز اوج عزت مسلمین هویدا نشده و افق انتقام بسی گسترده‌تر است:

۴- اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا: شهید سلیمانی در منطقه به دنبال چه بود؟ چیزی به جز زودن حضور نحس و بحران‌آفرین آمریکا در منطقه؟ که آورده‌ای به جز فقر و جنگ و آوارگی و کشتار برای ملت‌های منطقه نداشته است؟ بله، اگر این هدف که در واقع هدف شهید و هم‌زمان او بود محقق شود، در واقع اقدام دشمن در شهادت ایشان بی‌اثر مانده و ذلت دشمن بار دیگر آشکار می‌شود، همچنان که آقا فرمودند: «ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد».

انتقام سختی در انتظار جنایتکاران است

همه‌ی دوستان و نیز همه‌ی دشمنان بدانند خط جهاد و مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است.

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب
در پی شهادت حاج قاسم سلیمانی
۱۳ دی ۱۳۹۸



۵- مجازات آمران و عاملان شهادت سردار: اگرچه به گفته سید مقاومت کفش سردار شهید با ارزش تر از سر قاتل است، اما این دلیل نمی شود نظام عزیز جمهوری اسلامی از مجازات آمران و عاملان شهادت، فارغ از رتبه و جایگاه نظام سیاسی و نظامی ایشان کوتاه بیاید. تا آنجا که سلف صالح سردار شهید، سردار قائنی فرمود: «آنهايي که اين کار را کردند بدانند کاری کردند که در سرتاسر عالم، هرکجا یک مردی پیدا شود، آمادگی دارد نامردهایی که این کار را کردند را به سزای عملشان برسانند». این موضع گیری، پیام مهم و روشنی برای دشمنانی دارد که دائماً منتظر و ترسان از انتقام هستند.

۶- غلبه نرم افزاری بر دشمنان: می توان گفت غلبه نرم افزاری گسترده ترین و عمیق ترین میدان انتقام است، چراکه به معنای غلبه بر ایده و منطق الحادی و غیرتوحیدی لیبرال دموکراسی است و در واقع همان میدان تقابل تمدنی و ریشه ای دو جبهه اسلام و کفر است. با این توصیف ویژگی های این انتقام چیست؟ اولاً معلوم می شود جنس این انتقام فراتر از حمله های نظامی است، ثانیاً دنیای مستکبرین را نابود خواهد کرد و افول آمریکا را سرعت خواهد بخشید، ثالثاً جهان بینی و ایدئولوژی دشمن را هدف گرفته و هیمنه ی آن ها را فرو خواهد ریخت. در واقع می توان گفت این انتقام غلبه همه جانبه بر جبهه باطل است و برای همیشه دست دشمن را برای تعدی خواهد برد. در این مسیر منتقمین چه کسانی هستند؟ همان طور که امام انقلاب فرمودند «جوانان متعهد» محور حرکت در گام دوم هستند پس قطعاً یکی از مأموریت های این نسل در گام دوم، گرفتن انتقامی با این مختصات از استکبار خواهد بود تا به معنای واقعی کلمه غلبه نرم افزاری تحقق یابد و عزت مسلمین و ذلت مشرکین هر دو به اوج تجلی برسد. اما آیا ما به عنوان جوانان و نخبگان مؤمن نسل حاضر برای این مقابله آماده ایم؟ آیا اساساً متوجه هستیم این وظیفه مهم متوجه ماست؟ آیا سنگینی این بار را بر دوش خود احساس می کنیم؟ یا صرفاً درک ما از انتقام، ابعاد نظامی آن است و مشغول مطالبه گری برای زدن چند موشک بیشتر هستیم؟ باید برای این انتقام قدرتمند شد و حدنصاب لازم برای حرکت را پیدا کرد. اگر جنس این انتقام نرم افزاری است



ایام الله، روزهای تاریخ ساز هستند

روز تشییع میلیونی شهدا و

روز ضربه موشکی به پایگاه آمریکایی

از ایام الله بودند

ما ملت ایران این دو روز - روز تشییع میلیونی شهدا و روز ضربه موشکی به پایگاه آمریکایی - را جزو ایام الله در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم. اینها روزهای نقطه عطف تاریخ اند، روزهای تاریخ سازند، روزهای عادی نیستند. این که یک ملتی، این قدرت و این توان روحی را دارد که به یک قدرت متکبر زورگوی عالم اینجور سیلی بزند، این نشان دهنده دست قدرت الهی است، پس آن روز جزو ایام الله است.

عیدها
رهبر انقلاب اسلامی
۲۷ دی ۱۳۹۸

کاخ خرمین
KHAMENEI.IR

پس باید قوت و قدرت هم به تناسب آن فراهم گردد (وَإِعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ، انفال ۰۶) هر چه می توانید قوت را زیاد کنید)

این انتقام صرفاً در مسائل نظامی نیست، پس قوت و قدرت در این مسیر ابعاد دیگری دارد، همچنان که آقا در سخنرانی نوروز ۹۹ فرمودند: «ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ... قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی».

برای این انتقام باید از مکتب حاج قاسم زاد و توشه بگیریم و پایه های معرفتی و معنوی را استحکام بخشیم. حرکت در این مسیر (گام دوم و انتقام سخت) با پیشروی و پیشبری به سوی چشم اندازها و با عبرت گرفتن از موانع و آسیب های گذشته همراه خواهد بود. اگر قوی نشویم حسرت انتقام بردل ما سنگینی خواهد کرد و چشم طمع دشمنان کور نخواهد شد.

اکنون نوبت ماست که بتوانیم راه اسلاف خود را ادامه دهیم، راه قوت ما تمسک به مکتب انقلاب و حاج قاسم است و راه حل مشکلات ما نیز همان است. با تمسک به مکتب حاج قاسم این نسل و جوانان گام دوم وارد میدان خواهند شد و بار این مسیر را به دوش خواهند کشید. روزی های محاسبه نشده نیز، همچون آنچه از آثار اضمحلال و افول در درون ایالات متحده به چشم می خورد، در انتظار مجاهدان مخلص راه حق است. وقتی لازمه این انتقام، قوت مسلمین در همه ابعاد باشد می توان گفت: انتقام سخت یعنی تلاش برای تشکیل تمدن نوین اسلامی و این یعنی زمینه سازی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) که همانا اوج عزت مسلمین است ان شاء الله.

اروری به نام ترور!!!

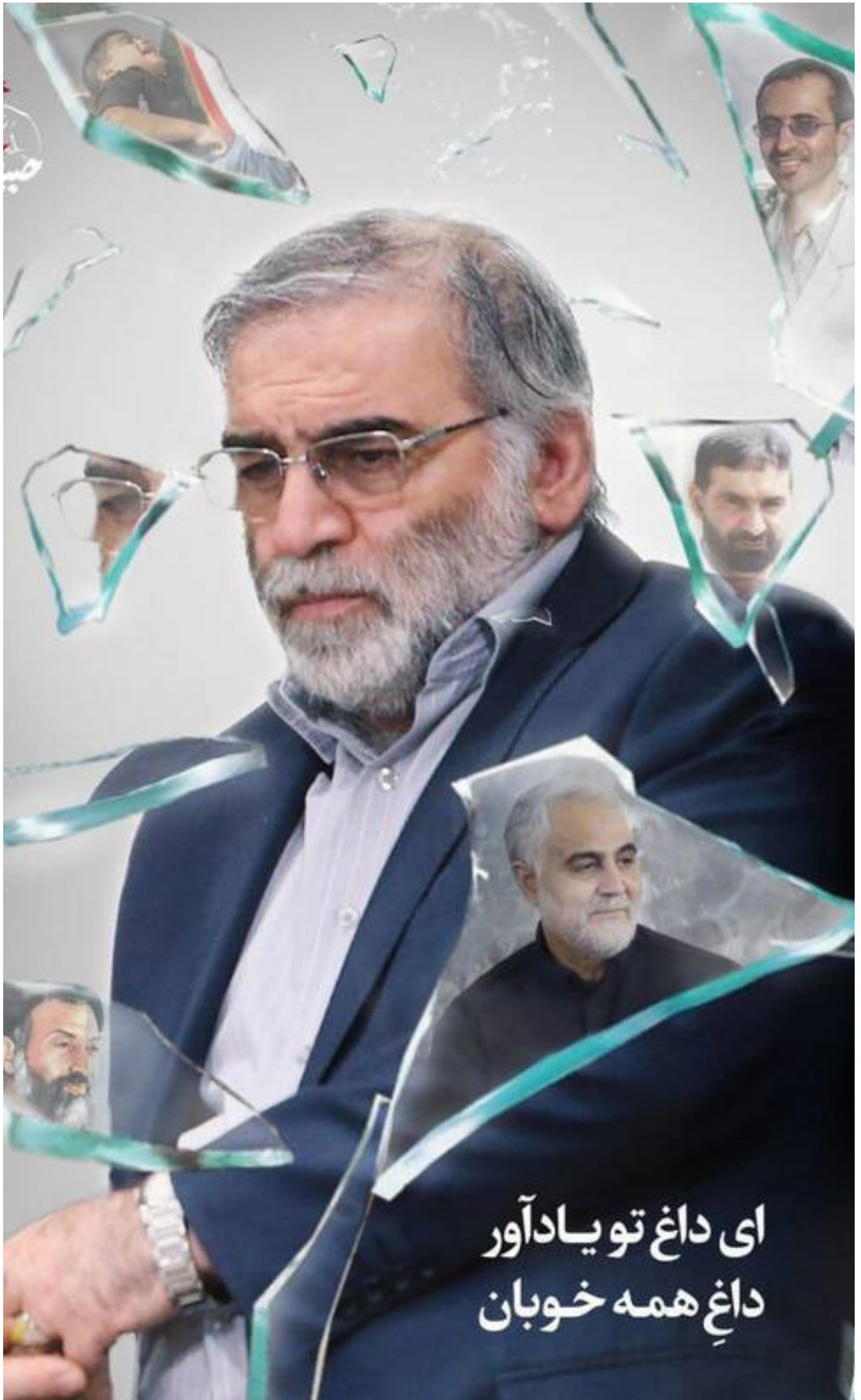
آنچه درباره ترور شهید فخری زاده می‌تواند یک بعد مهم باشد، آنکه در نظام جمهوری اسلامی راه پیشرفت جامعه هموار است. این نظام راه را برای گسترش علم و پیشرفت و همگام بودن با شتاب تاریخ فراهم کرده و فراهم خواهد کرد

ولی کمی شرایط جانبی در کنار این راه، سخت است و مقاومت همچون مقاومت اقتصادی لازم دارد که این مرد بزرگ مثل بعضی افرادی که همه چیز را بدون حتی تحمل کمی سختی و دشواری می‌خواهند داشته باشند اما این شکل خود کسالت و وابستگی را ایجاد کرده که شاید افکار و استعدادها را در سایه این کسالت و تنبلی و تن‌پروری‌ها و دنبال همه چیز از قبل آماده باشد تا کاری نکنند بسوزاند

یعنی استعدادی که بتوان با حداقل موارد و اقلامی که وجود دارد رشد و پیشرفت را برای کشور فراهم کرد و این خود یعنی محقق کردن اقتصاد مقاومتی، یعنی محقق کردن نگاه امیدوارانه به داخل کشور و حداقل منابع اولیه که در اختیار داریم هست این خود بخشی از حفظ اقتدار که دشمنان این ملت و این سرزمین و این دین و این مملکت مخالف آن هستند، مخالف آنچه باعث امیدواری به ملت که با تحمل سختی‌ها و با کمبودها و با نگاه به داخل و حداقل منابع داخل کشور می‌توان در برابر خیلی از تحریم‌ها مقاومت کرد و راه پیشرفت ولو خیلی آهسته در ابعاد گوناگون حتی اقتصادی را به این طریق ایجاد و در مسیر آن حرکت کرد و دچار جهش‌هایی شد که به پای شتاب تاریخ هم رسید و از قدرت‌ها در ابعاد گوناگون همچون علمی، اقتصادی و..... بشویم

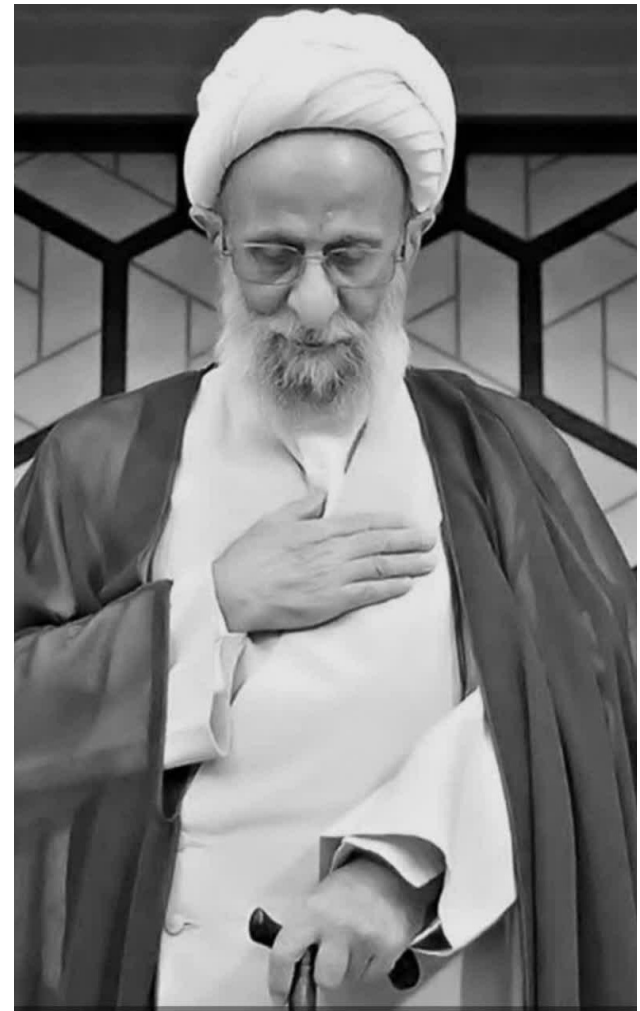
اما خون دانشمند ما این قدر باارزش هست که اگر انتقام سخت هم گرفته بشود باز تصفیه نمی‌شود

و مهم این هست قوی‌ترین انتقام ادامه دادن راه ایشان در صنعت هسته‌ای و سایر صنایع و ابعاد هست که باید جبران کنیم.



علمدار نیامد...

نویسنده: احسان بصرای



معنای واقعی کلمه الگوی علمداری برایشان باشد؟
آیت الله مصباح (رحمة الله علیه) بزرگ مردی بودند که شاید تنها کسی در تاریخ انقلاب باشند که هم مدال بصیرت و هم مدال استقامت را از امام خامنه ای (حفظه الله) دریافت کرده باشند.
آیت الله مصباح (ره) تنها کسی هستند که حضرت آقا ایشان را پس از فتنه خطرناک ۸۸، در سال ۹۸ به عنوان فردی دارای علم و بصیرت به معنای حقیقی کلمه معرفی کردند (۳). و کمتر از ده سال بعد در پیام بی ماندشان در تسلیت رحلت ایشان، این عالم ربانی را دارای « زبان گویائی در اظهار حق و پای با استقامتی در صراط مستقیم » (۴) معرفی کردند.

اینجاست که می فهمیم امام خامنه ای (حفظه الله) بزرگ ترین علمدارشان را از دست دادند و برای همین هم پیش از تسلیت رحلت ایشان به دیگران اذعان داشتند:

«این جانب خود سوگوار این برادر قدیمی و عزیز می باشم.»

آری علامه مصباح (حفظه الله) بزرگ علمدار پرچم انقلاب اسلامی برای ولی فقیه زمانشان بودند که به تصریح حضرت آقا هم اهل البصر بودند و هم اهل الصبر.

اینجاست که با دلی آکنده از غم فراق ایشان زمزمه می کنیم:

علمدار نیامد... علمدار نیامد...

(۱) خطبه ۳۷۱ نهج البلاغه

(۲) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۸۰/۳۰/۴۸۳۱

(۳) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در منزل آیت الله مصباح (ره)

بهمن ماه ۹۸

(۴) پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی درگذشت آیت الله

مصباح (ره) / دی ماه ۹۹

نکته مهمی که در این بین وجود دارد این است که این دو صفت والا و البته ضروری، بدون یکدیگر نه تنها سودی ندارند بلکه می توانند موجب انحراف مضاعف هم بشوند. برای درک این موضوع کافست فردی را بدون حتی فقط یکی از این دو صفت در کوران فتنه ها تصور کنید. در تاریخ اسلام مواردی زیادی برای هریک از این گزینه ها وجود دارد. مثلاً خوارج قبل از اینکه خوارج شوند، گروهی با تاب آوری بالا بودند که تا پای جان در رکاب امیرالمؤمنین (ع) شمشیر می زدند؛ اما چون در کنار استقامت و تاب آوری بالا، بصیرت نداشتند ابتدا از ایشان جدا و سپس مقابل ولی زمانشان شمشیر کشیده و بعضی از آنان تا آخرین قطره خونشان به امید شهادت در راه خدا! با مولایشان جنگیدند و سرانجام امام علی (علیه السلام) را به شهادت رساندند.

خوارج می توانستند با راحت طلبی، گوشه نشینی را برگزینند اما احساس کردند باید در راه دین خدا! پایداری نشان دهند.

گروه دوم افرادی بودند و هستند که در کوران فتنه، جبهه حق و باطل را به خوبی تشخیص می دهند اما موقع به میدان آمدن و هزینه دادن، پایشان سست بوده و چشم پوشی از جان و مال و آبرو و لذات دنیایی برایشان آن قدر سخت است که با همه علمی که بر حقانیت جبهه ی حق دارند، اهل حق و اسلام را تنها می گذارند. نمونه اش مردم کوفه بودند که با علم به فساد آشکار یزید و طهارت و عدالت امام حسین (علیه السلام) از ایشان برای تشکیل حکومت اسلامی دعوت کردند؛ اما در اولین گام سفیر ایشان جناب مسلم ابن عقیل (ع) را تنها گذاشتند و سپس اهل بیت پیامبر (ص) را در قربانگاه تنها گذاشتند. آنان اگر بصیرت نداشتند از امام زمانشان دعوت نمی کردند اما عشق به دنیا پایشان را سست و زبانشان را قطع کرد.

اما آیا می شود شخصی را به نسل جدید انقلاب معرفی کرد که به

«ما بارها عرض کرده ایم که امیرالمؤمنین در جنگ صفین - شاید این جمله را درباره ی عمار هم فرموده باشد - مکرر این جمله را می فرمود: «ولا يحمل هذا العلم إلا اهل البصر والصبر». (۱) چه عبارت زیبایی هم هست؛ حروف بصرو صبر یکی است، ترکیبش دوتاست؛ و چه زیبا! فقط اهل بصیرت و پایداری می توانند این پرچم را بردارند. (۲)»

این تنها بخشی از فرمایشات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تبیین فرمایش امام علی (علیه السلام) است که لازمه بردوش کشیدن پرچم حکومت اسلامی و پاسداری از آن را داشتن بصیرت و بینایی همراه با صبر و استقامت معرفی می کنند.

راه های ارتباطی

راه های ارتباطی
اینستاگرام
http://www.instagram.com/bmui_valasr
سایت
www.bmui.ir
ایمیل
Nashr21@bmui.com
تلفن
۳۶۶۹۲۱۹۸
تلگرام
http://telegram.me/valasr_bmui
(برای انتقادات و پیشنهادات و همکاری با ما)



کدامیک از مطالب نشریه از نظر شما از لحاظ محتوایی کیفیت بهتری داشت ؟

چه پیشنهادی برای بهتر شدن نشریه دارید ؟

به برترین نظراسالی هدیه ای تعلق خواهد گرفت.



ویژه نامه ی مقاومت بسیج دانشجویی علوم پزشکی اصفهان

شماره مجوز: ۴۲۳-۸-۹۴

مدیر مسئول: محمدحسین مداحی

سردبیر: فاطمه صداقت فرد

نویسندگان: محمدرضا جلالی، میلاد رایانی، هادی حامدفر،

محمد مهدی توکلی، احسان بصرای

